

نفت

علت یا معلول

تحلیل اقتصادی مالکیت بر نفت در پرتو حقوق مالکیت کارآمد

(از منظر نظریه نهادی و رهیافت نظم اجتماعی)

نویسنده

الهام مومنی پور

مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد حقوق اقتصادی

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

با دیباچه

دکتر هادی وحید

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سرشناسه	: مومنی پور، الهام، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: نفت؛ علت یا معلول: تحلیل اقتصادی مالکیت بر نفت در پرتو حقوق مالکیت کارآمد (از منظر نظریه نهادی و رهیافت نظم اجتماعی) / نویسنده الهام مومنی پور؛ دبیاچه هادی وحید.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۰ ص.
شابک	: 978-600-114-708-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: تحلیل اقتصادی مالکیت بر نفت در پرتو حقوق مالکیت کارآمد (از منظر نظریه نهادی و رهیافت نظم اجتماعی).
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- جنبه های اقتصادی
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Economic aspects -- Iran
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- سیاست دولت
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Government policy -- Iran
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- ملی شدن
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Government ownership -- Iran
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- تاریخ
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Iran -- History
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- امور مالی
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Iran -- Finance
موضوع	: نفت -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Petroleum law and legislation -- Iran
موضوع	: نفت -- مالکیت دولتی -- ایران
موضوع	: Government ownership -- Iran
شناسه افزوده	: وحید هادی
رده بندی کنگره	: ۵۱۱/۶۵ د ۵۱۱/۶۵ د ۹۵۷۶ HD
رده بندی دیویی	: ۳۱۰/۲۷۱۰۰۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۹۰۲۹

انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و سجاوچه آمانین

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی نژاد - نرسیده به خیابان دانشگاه - پلاک ۱۷۴ - واحد ۲

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۴۹۰۵۸۴

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۹۲ تلفن: ۶۶۹۵۰۷۵۹ - ۶۶۷۵۵۹۱۰

فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید براتی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: WWW.Khorsandypub.com

نفت؛ علت یا معلول

الهام مومنی پور

چاپ اول: ۱۳۹۵ تیراژ: ۵۰۰ جلد قیمت: ۲۷۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978- 600 -114-708-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۷۰۸-۱

۱۱	دیاچه
۱۳	نشانه‌های اختصاری
۱۵	مقدمه

بخش اول - حقوق مالکیت در دولت‌های طبیعی

۳۳	فصل اول - نظام حقوق مالکیت کارآمد
۳۴	مبحث اول: شناسایی حقوق مالکیت
۳۴	گفتار اول: مفهوم حقوق مالکیت
۳۵	بند اول: تعریف
۳۹	بند دوم: تمیز
۴۴	گفتار دوم: روند تکامل حقوق مالکیت
۴۴	بند اول: نئوکلاسیک
۴۸	بند دوم: نهادگرایی
۵۴	مبحث دوم: کارآمدی حقوق مالکیت
۵۵	گفتار اول: شناسایی کارآمدی
۵۵	بند اول: کارایی
۵۸	بند دوم: هزینه مبادله
۶۶	گفتار دوم: شاخص‌های ارزیابی
۶۹	بند اول: شاخص آزادی اقتصادی جهان
۷۴	بند دوم: شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت

۷۹	فصل دوم - دولت‌های طبیعی یا جوامع نظم دسترسی محدود
۸۰	مبحث اول: بررسی مفهومی
۸۲	گفتار اول: عناصر نظم‌های اجتماعی
۸۲	بند اول: خشونت
۸۴	بند دوم: رقابت
۸۷	بند سوم: نهاد

۹۰	بند چهارم: سازمان
۹۳	گفتار دوم: منطق نظم‌های اجتماعی
۹۳	بند اول: نظم دسترسی محدود
۹۴	الف) تحدید دسترسی
۹۹	ب) دوام در عین بی‌ثباتی
۱۰۰	بند دوم: نظم دسترسی باز
۱۰۵	مبحث دوم: دولت طبیعی (حالت طبیعی یا نظم طبیعی)
۱۰۶	گفتار اول: انواع دولت طبیعی
۱۰۷	بند اول: دولت طبیعی شکسته
۱۱۰	بند دوم: دولت طبیعی پایه
۱۱۴	بند سوم: دولت طبیعی بالغ
۱۱۷	گفتار دوم: شرایط آستانه برای گذار
۱۱۹	بند اول: حاکمیت قانون برای افراد ان
۱۲۲	بند دوم: سازمانهای با عمر انسانی برای هر استان از جمله خود دولت
۱۲۴	بند سوم: کنترل سیاسی یکپارچه در نظام

بخش دوم - دستگاه نظری تحلیل اقتصادی نفت

۱۳۵	فصل اول - رویکردهای نظری
۱۳۶	مبحث اول: حقوقی
۱۳۷	گفتار اول: مالکیت خصوصی
۱۳۸	بند اول: نظریه‌ی مالکیت مطلق یا مالکیت در محل
۱۳۸	بند دوم: نظریه‌ی مالکیت مشروط یا عدم مالکیت
۱۴۰	گفتار دوم: عدم مالکیت خصوصی
۱۴۲	بند اول: مالکیت دولتی
۱۴۵	بند دوم: مالکیت عمومی
۱۴۶	الف) بررسی مفهومی
۱۵۲	ب) بررسی نظری
۱۵۲	۱- نظام حقوقی تخصیصی
۱۵۳	۲- نظام مالکیت مبتنی بر انتقال
۱۵۶	مبحث دوم: علوم اقتصادی

۱۵۷	گفتار اول: تبیین‌های اقتصادی
۱۵۸	بند اول: نظریه‌ی دولت قراردادی
۱۶۱	بند دوم: نظریه‌ی بیماری هملندی
۱۶۶	گفتار دوم: تبیین‌های اقتصاد سیاسی
۱۶۶	بند اول: نظریه‌ی دولت رانتیر
۱۷۰	بند دوم: نظریه‌ی نهاده‌ی
۱۷۷	فصل دوم- مدل منتخب تحلیل
۱۷۸	مبحث اول: نظم اجتماعی در ایران
۱۷۹	گفتار اول: انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی
۱۸۳	بند اول: وقوع انقلاب و شرایط نظم شکننده
۱۹۱	بند دوم: از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹
۱۹۶	بند سوم: از کودتای ۱۲۰۹ شهرتیر ۱۳۲۰
۲۰۳	بند چهارم: از شهریور ۱۳۲۰ کودتای ۱۳۰۲
۲۱۰	بند پنجم: از کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۰۷
۲۱۷	گفتار دوم: انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲
۲۱۸	بند اول: دوره‌ی زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸
۲۲۷	بند دوم: دوره‌ی زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶
۲۳۳	بند سوم: دوره‌ی زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴
۲۳۶	بند چهارم: دوره‌ی زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲
۲۴۰	مبحث دوم: مالکیت عمومی در نظم دسترسی محدود
۲۴۲	گفتار اول: ساز و کار نظارتی
۲۴۵	بند اول: حساب ذخیره‌ی ارزی در برنامه‌ی سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
۲۵۰	بند دوم: حساب ذخیره‌ی ارزی در برنامه‌ی چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴)
۲۵۷	گفتار دوم: ساز و کار اجرایی
۲۷۵	نتیجه‌گیری
۲۸۵	ضمیمه
۳۱۵	فهرست منابع

دیباچه

"دارم"، "هستم" از بدیهی‌ترین مفاهیمی است که انسان با آن‌ها سر و کار دارد؛ با این تفاوت که آنچه "هستم" بر آن دلالت دارد امری اصیل است و "مالکیت" که "داشتن" بر آن دلالت دارد امری اعتباری است. در طول حیات بشر و رشد اندیشه، در برابر سفسطه‌های سوفسطائیان در مقام انکار رجوع، فلسفه رونق گرفت و به کار آمد. برای حل مسئله مالکیت اما، فلسفه کافی نبود؛ فلسفه و کلام اقتصاد و حقوق و سیاست به هم آمیختند تا چالش‌های برآمده از مشکل مالکیت را حل کنند و هنوز بر آن اندیشه‌اند.

پس از انقلاب صنعتی، بزرگ‌ترین حادثه‌ای که جامعه بشری را دچار تحول کرد و برای همیشه مسیرش را در آینده مشروط به خواست و قضیه پیدایش نفت و وابستگی به انرژی حاصل از استخراج آن بود. نفت نه تنها زندگی مادی انسان را تحت تأثیر قرار داد بلکه همه آنچه را که در عالم اندیشه در زمره علوم انسانی راهبردی می‌توان نام برد (یعنی از جمله همان فلسفه، کلام، اقتصاد، حقوق و سیاست که از قضا قرار بود مشکل مالکیت را حل کنند) تحت الشعاع خود قرار داد. اینک، مُعْضَل بزرگ‌تر این است که آنچه از علوم و معارف که می‌خواست به حل مسئله کمک کند، همزمان و پیش از حل مسئله خودش به خود مسئله مشروط شد است. این همان پارادوکس معروف رابطه میان علت و معلول یا معمای "مرغ و تخم مرغ" است که عنوان کتاب "نفت؛ علت یا معلول" به نوعی بدان اشاره دارد.

در چارچوب چنین دغدغه‌ایست که نیاز به انجام تحقیقی شایسته احساس می‌شد؛ دغدغه‌ای که پرداختن به آن، بسیار فراتر از یک موضوع میان رشته‌ای، نیاز به درک درستی از مسئله و ابعاد آن، هم در بعد حقوق مالکیت و هم در ناحیه تحلیل اقتصادی مسائل حقوقی نفت دارد. برای این کار از یک سو نیاز به مروری بر نظام حقوق مالکیت کارآمد و شرایط به وجود آمدن آن و موانع پیش‌رو در چارچوب نظریه اقتصادی بود و از سوی دیگر، می‌بایست محصول این تحقیق بر مسئله

موضوع بحث که مالکیت نفت است تطبیق داده می‌شد. افزون بر این و آنچه که به لحاظ روش‌شناسی مهم است انجام این پژوهش در یک چارچوب نظری مناسب است. سرکار خانم الهام مؤمنی‌پور به شایستگی از عهده این کار برآمده‌اند و باید این توفیق را به ایشان تبریک گفت. ایشان برای این کار زحمات بسیاری کشیده‌اند. از جمله، با توجه به خالی بودن عرصه از مواد لازم، هم در تولید محتوا و هم در طرح روش‌مند تحقیق رنج فراوانی تحمل کرده‌اند که سزاوار قدردانی و تقدیر است.

در این راه البته، قطعاً اگر راهنمایی‌های ارزنده و همراهی و همکاری دلسوزانه سرور عزیز و استاد گرامی - آید آقای دکتر فرشاد مؤمنی و همچنین دوست ارجمند و فاضل دانشمند جناب آقای رضا مجدزاده - بود شاید این کار به چنین نتیجه‌ای نمی‌نشست. من به نوبه خود، نعمت آشنایی و دوستی امجدی جوان و پرشوری همچون خانم مؤمنی‌پور را ارج می‌نهم، بویژه که در کنار پژوهش خود یک - دیگر فرصت بهره‌مندی از همکاری دوستان اقتصاددان را برای من به وجود آوردند و این خود بهانه‌ای شد که من از این هر سه بزرگوار استفاده کنم و بیاموزم.

هادی وحید

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق

دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

«آنانی که می‌خواهند با نادیده گرفتن گذشته و در نتیجه با شناخت مخدوششان از حال، برای آینده برنامه‌ریزی کنند، در بهترین حالت تکرارکنندگان اشتباهات و شکست‌های تاریخی خواهند بود»^۱

مدیریت ناصحیح درآمدهای کلان حاصل از فروش نفت خام و عدم اعمال نظارت موثر بر آن به ویژه طی چندسال گذشته (دوره‌ی زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۴) چه در مرحله‌ی تصمیم‌گیری و چه در مرحله‌ی اجرا، علاوه بر به همراه داشتن آثار و نتایج غیر قابل وصف به لحاظ ناکارآمدی در طول تاریخ یکصدساله‌ی کشف نفت در ایران (به ویژه از منظر مفاسد کلان اقتصادی که رخ داده است)، موضوع مباحث مختلفی در حوزه‌ی انرژی، قانون و به‌طور خاص حوزه‌ی اقتصادی بوده است. در این راستا از جمله موارد مهمی که جلب توجه می‌نماید آن است که حتی در زمان‌هایی که درآمدهای نفتی به اصطلاح حالت نجومی به خود گرفت، نرخ بیکاری بالا، تورم دو رقمی و رشد اقتصادی پایین و در نهایت عدم بهبود شاخص فقر باز هم از ارزش‌ترین خصایص اقتصاد کشور بوده‌اند. ضمن آنکه با وجود انجام فعالیت‌های زیربنایی طی دهه‌های گذشته، مهمترین ویژگی این فعالیت‌ها، بالابردن قدرت جذب درآمدهای نفتی بوده است تا آنکه در تعدیل و بهبود خصایص بارز فوق و در نتیجه ارتقاء سطح رفاه اجتماعی مشرثر واقع شوند.

به طور مسلم، عدم پیش‌بینی و اتخاذ راه حل و راهبرد متناسب برای اصلاح چنین اوضاع و احوالی، ثمره‌ای جز این نخواهد داشت که در صورت کاهش یا قطع درآمدهای نفتی، از یک سو خزانه‌ای خالی، بدون وجود تنوع در منابع کسب و کار و درآمد بر جای بماند، با انبوه تعهداتی که دولت در خلال اقداماتی همچون وابسته کردن مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به یارانه‌ها، کالاها و خدمات ارزان قیمت دولتی بر عهده گرفته است و از سوی دیگر، یک نظام اداری غیرمنسجم و

به عبارت دقیق‌تر، یک ساختار اداری حجیم بدون تقسیم کار و تخصص‌گرایی صحیح با انبوهی از کارکنان اداری که اتفاقاً هزینه‌های ناشی از آن، بخش قابل توجهی از ردیف‌های بودجه را به خود اختصاص می‌دهد.

نکته‌ی حائز اهمیت آن است که ضعف و عدم توانایی ساز و کار اجرایی یعنی دولت، در مدیریت صحیح درآمدهای نفتی و تخصیص بهینه‌ی آن و همچنین اعمال نظارت نه چندان قوی و کارآز سوی دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیربط از جمله مجلس به عنوان ساز و کار نظارتی، منحصر به موارد فوق نبوده و پی‌آمد دیگری نیز دارد. ثمره‌ای که به نظر می‌رسد در چارچوب رویکرد رایج و مسلط علم اقتصاد، کمتر به آن توجه شده و می‌شود و آن، ناکارآمدی حقوق مالکیت عموم مردم است. این در حالی است که امروزه اهمیت حقوق مالکیت در جهان تا به آن اندازه پیش رفته که به سنگ محک یکی از بنیادی‌ترین میزان توسعه‌یافتگی کشورها از ابعاد مختلف به ویژه بعد سیاسی و اقتصادی بدل گردیده است.

حقوق مالکیت از این جهت دارای اهمیت است که امکان درونی‌سازی پیامدهای خارجی اموال و جلوگیری از تاثیر سوء افراد فاسد مسئولیت نسبت به آنها (خواه فیزیکی و خواه غیر ملموس) را میسر می‌سازد و قراردادهای مبادلات را به دست خود اجرا شدن پیش می‌برد. این حقوق همچنین بستری را فراهم می‌کنند تا اشخاص بتوانند دارای خود را به سرمایه و سرمایه را به ثروت (تخصیص منابع) تبدیل نموده و به رونق و رشد اقتصادی و به پی‌آمد آن فرایند توسعه، مدد رسانند.

علی‌الاصول به صورت خیلی کلی اینگونه استدلال می‌شود که دولت‌هایی می‌توانند به تعریف، تضمین و اجرای حقوق مالکیت کارآمد به لحاظ اجتماعی مبادرت نمایند که مقتدر باشند؛ به این معنی که توانایی لازم برای ایجاد پایه‌های درآمدی مولد متنوع و پیچیده را داشته باشند. این در حالی است که در دولت‌های نفتی همچون دولت ایران، به لحاظ آنکه بیشترین منبع تامین درآمد متکی بر مسیرهای غیر مولدی همچون ثروت حاصل از فروش نفت خام است، در عمل پایه‌ی درآمدی از تنوع و پیچیدگی چشمگیری برخوردار نیست. با این وصف می‌توان در همینجا اینگونه استدلال کرد که اتکاء صرف بر عواید حاصل از این ثروت خدادادی، تنها سرایی از توسعه یافتگی را برای مردم به ارمغان آورده است بدون آنکه در تقویت حقوق مالکیت ایشان نقش موثری را ایفا نماید و این امر، مغایر با باوری خواهد بود که نفت را متعلق به ملت می‌داند و نه شخص یا گروهی خاص.

چنین وضعیتی، یعنی ناتوانی دولت‌ها در مدیریت صحیح و بهینه‌ی درآمدهای نفتی که از جمله به تضعیف حقوق مالکیت در طی این سال‌ها انجامیده است، این سوال را به ذهن می‌رساند که چه عامل یا عواملی مانع از ارتقاء ظرفیت دولت‌ها در بهبود عملکرد خود در این حوزه شده است؟ آیا می‌توان گفت نوع مالکیت بر نفت در این خصوص نقش مهم و موثری داشته، یا اشکال را باید در جای دیگری جستجو نمود؟ در همین راستا، طی سال‌های اخیر، برخی از صاحب‌نظران به ویژه در حوزه‌ی اقتصاد، اتفاقاً منشاء این ناتوانی را خصوصی نبودن مالکیت نفت و در واقع دولتی بودن درآمدهای نفتی قلمداد کرده‌اند.^۲ گروهی دیگر فقدان نظام مالیاتی بهینه و نیز عدم وجود نظام اداری خوب را مورد تاکید قرار داده‌اند. اما، ورای این نظرات و ایرادات، از دیدگاه برخی دیگر، بحث ساختارهای نهادی مطرح می‌شود که طی سالیان متمادی در جهت بهره‌برداری و تخصیص منابع نفت ایجاد شده است. در واقع نبود و محدودیت‌هایی را به وجود آورده‌اند که هر حرکتی در جهت اعتلای حقوق مالکیت را، و طبعاً سناسایی دقیق آنها می‌نماید.^۳

مهمترین انگیزه‌ای که انجام پژوهش پیش رو را تقویت نمود و در واقع به مانند جرقه‌ای، در شکل‌گیری عنوان این تحقیق عمل کرد، شرایط نا امان اقتصادی به وجود آمده به ویژه در اوایل دهه‌ی نود شمسی یعنی همزمان با فعالیت دولت دهم بود. علی‌رغم آنکه گفته می‌شد به دنبال شوک نفتی ناشی از افزایش قیمت نفت تا حدود ۹۰ درصد،^۴ ۱۱۰ دلار،^۵ در طی تاریخ یکصد ساله‌ی کشف نفت در ایران، بالاترین میزان عواید حاصل از صادرات نفت خام در این دوره یعنی بازه‌ی زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ تحقق یافته است (طبق نظر کارشناسان بین‌المللی معادل هشتصد و پنجاه میلیارد دلار) اما رواج فعالیت‌های غیرمولد و مخرب در حوزه‌ی اقتصاد سمج و واسطه‌گری (دلالتی)

۲ طاهری، محمد؛ پدر پوپولیم نفتی، گفتگو با موسی غنی‌نژاد در باب اشتباه تاریخی دولتی شدن نفت، ماهنامه‌ی علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره دهم، فروردین ۱۳۹۰، ر. ک.:

[دسترسی در تاریخ ۵ شهریور ۹۲] <http://www.mehrnâmeh.ir/article/1640.html>

۳ مومنی، فرشاد؛ این ملک غنیمت نیست، مجله دو ماهنامه سیاسی-راهبردی چشم انداز ایران، شماره ۷۰، آبان و آذر ۱۳۹۰، ص ۱۰۹.

۴ تفاوت درآمدهای نفتی در سه دولت، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، کد خبر: ۱۱۲۰۲۶، ۱۳۹۲/۰۲/۲۹، ر. ک.:

[دسترسی در تاریخ ۱۰ مرداد ۹۴] <http://www.entekhab.ir/fa/news/112026>

گلپور، مرتضی؛ ائتلاف درآمدهای افسانه‌ای دولت گذشته، نویخت، سختگوی دولت در اجلاس حزب اعتدال و توسعه از واقعیت‌های اقتصادی کشور پرده برداشت و انتقاد کرد، کد خبر: ۵۴۱۹۷، ۱۳۹۳/۱۲/۰۲، ر. ک.:

[دسترسی در تاریخ ۱۰ مرداد ۹۴] <http://iran-newspaper.com/newspaper/blockprint/54197>

و سفته‌بازی و فاصله گرفتن از انجام فعالیت‌های تولیدی، تغییرات لحظه به لحظه‌ی قیمت‌ها، کاهش ارزش پول ملی و به تبع آن کاهش قدرت خرید مردم، افزایش تعداد کودکان کار و خیابان، افزایش تعداد دست‌فروش‌ها و توزیع کنندگان کالاهای قاچاق از جمله در مترو و معابر، حاکم شدن یک حس مبتنی بر عدم اطمینان و احساس ناامنی روزافزون حاصل از کاهش ارزش دارایی‌های نقدی در جامعه و مواردی از این دست، لزوم بررسی چنین پارادکسی را هرچند به صورت اجمالی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

با این تفاسیر، نخستین سوالی که حول عنوان این پژوهش و بر مبنای انگیزه‌ی فوق‌الذکر، در مقام یافتن پاسخی مناسب و نزدیک به واقع برای آن خواهیم بود به این شرح است که با توجه به ساختار دسترسی قوای مالکیت در ایران، نوع مالکیت نفت تا چه اندازه می‌تواند در کارآمدی یا ناکارآمدی مدیریت درآمدهای آن نقش موثری ایفا نماید؟ در همین راستا، دومین سوالی که پاسخگویی به آن ضروری می‌نماید آن است که شرط یا شروط پایه برای گذار از وضعیت موجود و به تبع آن، اصلاح اثرات سوء عملکرد ساز و کارهای اجرایی و نظارتی حاکم در تخصیص عواید حاصل از نفت با عنایت به نوع مالکیت نفت چه خواهد بود؟

از جمله قروضی که در پاسخ به سؤالات پیش‌گفته جای بسی تأمل دارد، این است که بدون ارتقا در سطح نظم اجتماعی که از جمله علل اصلی در شکل دادن به چارچوب نهادی حاکم در جامعه و همچنین تعیین‌کننده‌ی میزان دسترسی به حقوق مالکیت کارآمد به لحاظ اجتماعی به شمار می‌آید، نوع مالکیت نفت نمی‌تواند نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در کارآمدی یا ناکارآمدی مدیریت و تخصیص بهینه یا غیر بهینه‌ی عواید حاصل از آن، ایفا نماید.

در بیان فرض دوم می‌توان گفت با عنایت به محوریت بررسی نوع مالکیت نفت در ذیل نظام حقوق مالکیت کارآمد در این پژوهش، محقق ساختن و تقویت شاخص‌های موثر در کارآمدی حقوق مالکیت به عنوان یک نهاد رسمی منبعث از سیستم سیاسی، ضمن مهیا کردن بستر تحول در چارچوب نهادی، می‌تواند در اصلاح اثربخش وضع موجود، در حوزه‌ی تخصیص درآمدهای نفتی و نیز بهبود کیفیت مالکیت عموم بر نفت، گامی جدی به شمار آید.

پیش از آنکه به بحث در خصوص سابقه‌ی تحقیق بپردازیم، ذکر نکاتی چند در خصوص انتخاب ابزار یا الگو یا مدل مناسب، در قالب یک دستگاه نظری برای انجام تحلیل اقتصادی در پژوهش پیش رو، لازم و ضروری به نظر می‌آید. به طور کلی، اقتصاددانان برای تحلیل اقتصادی،

سه سطح قابل هستند. سطح خرد، سطح کلان و سطح توسعه. در سطح خرد، تحلیل اقتصادی بر سه محور کارآمدی، رضایت‌مندی و بهره‌وری قرار دارد که عنصر کارآمدی به معنی عدم هدر رفتن منابع و تخصیص بهینه است، رضایت‌مندی به رفاه عمومی می‌انجامد و بهترین بهره‌وری آتی به شمار می‌آید که با کمترین هزینه همراه باشد. در سطح کلان، تحلیل اقتصادی به بررسی و ارزیابی ثبات اقتصادی، ثبات قیمت‌های کلیدی مثل ارز، تورم نرخ بیکاری و رشد اقتصادی و مانند آن می‌پردازد. در نهایت در سطح توسعه، در تحلیل اقتصادی درباره‌ی تغییرات ساختاری و نهادی اقتصادی و تاثیر آن بر روی انتخاب‌های افراد بحث می‌شود. در این پژوهش؛ تحلیل اقتصادی در سطح سوم یعنی سطح توسعه جای می‌گیرد که در خلال آن، تاثیر نهاد حقوق مالکیت بر روی مالکیت، نفت به مثال کشیده می‌شود.

با این تفسیر، این که اراد و دستگاه نظری متناسب برای این سطح از تحلیل اقتصادی در این پژوهش چه باشد، نکته‌ی پایدار توجه دیگری بود که به دغدغه‌ی اصلی نگارنده تبدیل شد. در این راستا، طی بررسی به عمل آمده، اراد دستگاه نظری فراخور برای این سطح از تحلیل اقتصادی، دستگاه مبتنی بر رویکرد نهادگرایی، اثر انگیزان داکلاس نورث تشخیص داده شد؛ بیشتر از این جنبه که به نظر می‌رسد رویکرد مذکور از معدود پارادایم‌های علوم اقتصادی است که با بینشی واقع‌بینانه‌تر به ایفای نقش در تحلیل اقتصادی می‌پردازد.

در کنار این پارادایم، یکی دیگر از طرق اقتصادشناسی یا به روش‌شناسی اقتصاد، موسوم به جریان اقتصادی متعارف یا مسلط است که ناظر بر رویکرد نئوکلاسیک بوده و خود مجموعه‌ای از قرائت‌ها و پارادایم‌های اقتصادی می‌باشد. از جمله می‌توان به نئوکلاسیک رتد کس، نئوکلاسیک اتریشی، نئوکلاسیک شیکاگویی و مانند آن اشاره نمود. نکته‌ی شایان توجه آن است که در همه‌ی

۵ در همین ابتدا ذکر این نکته لازم است که در متن پژوهش پیش رو در مواردی از عبارت علوم اقتصادی یا علم اقتصاد استفاده شده و در مواردی از عبارت اقتصاد. این به این معنی است که بین دو عبارت مذکور باید تفکیک قائل شد. در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت تفاوت این دو از این جهت است که معادل انگلیسی عبارت نخست یعنی علوم اقتصادی یا علم اقتصاد؛ *Economics Sciences* است و به معنی اقتصادشناسی یا روش‌شناسی اقتصاد می‌باشد در حالی که معادل انگلیسی عبارت دوم یعنی اقتصاد؛ *Economy* است که به اقتصاد یک منطقه یا قلمروی خاص اشاره دارد. بنابراین وقتی از علوم اقتصادی یا علم اقتصاد نام برده می‌شود به روش یا روش‌هایی اشاره دارد که به بررسی اقتصاد یک قلمرو یا کشور خاص می‌پردازد مثل روش نئوکلاسیکی یا روش نهادگرایی و مواردی از این دست. به عبارت دیگر علوم اقتصادی ناظر بر انواع روش‌شناسی‌های اقتصاد می‌باشد.

قرائت‌های مربوطه در این شعبه از علوم اقتصادی، مقوله‌ی عقلانیت، کارآمدی و تعادل از فروض اساسی اقتصادی بودن سیستم‌ها، تصمیم‌ها و لوازم کارکردی^۶ محسوب می‌شوند^۷ و از بین این سه مقوله، عنصر عقلانیت^۸ بحث محوری را به خود اختصاص می‌دهد.

تاکید بر عقلانیت رفتاری در قرائت‌های مختلف جریان رایج اقتصادی از شدت و قلت برخوردار است به نحوی که به عنوان مثال در نئوکلاسیک ارتدکس فرض بر وجود عقلانیت کامل است که از آن به عنوان عقلانیت ابزاری با تاکید بر حداکثر کردن منافع شخصی مادی، نام برده می‌شود اما به دلیل غیرواقعی بودن و به عبارتی انتزاعی بودن فروض این شعبه از رویکرد نئوکلاسیک طی چندین دهه به تدریج از سوی تعدادی از اقتصاددانان نئوکلاسیکی، شاخه‌ای از نهادگرایی^۹ با عنوان «مدرسه‌ی جدید» گرای جدید شکل گرفته است که مبنای اصلی آن تئوری انتخاب عقلانی، لیکن با پیوند نهادی^{۱۰} بر منافع عقلانیت محدود می‌باشد. رونالد کاوز^{۱۱}، داگلاس نورث^{۱۲}، جیمز بوکانان^{۱۳}، آرمین آلچیان^{۱۴}، هارولد دمسِتْز^{۱۵} و اولیور ویلیامسون^{۱۶} از جمله‌ی این اقتصاددانان هستند. گروه اخیر، این انتقادات را به فلسفای سنتی رایج (نئوکلاسیک ارتدکس) وارد می‌کنند که وجود این فروض در رویکرد غالب منابع از آن شده تا اقتصاددانان با پاره‌ای از مسائل و مقولات کاملاً بنیادی دست و پنجه نرم کنند. انگیزه‌ها، کشش‌ها، اقتصاد، بسیار پیچیده‌تر و انتخاب‌های آنها، بی‌ثبات‌تر از آنی است که در جریان سنت نظری مرسوم فرض می‌شود. ایشان قائل به این نظرند که افراد بر اساس مدل‌های ذهنی‌ای تصمیم می‌گیرند که از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند. علاوه بر این، با تاثیر از همین مدل‌های ذهنی متفاوت، اطلاعاتی را به دست می‌آورند که گاه تا به آن اندازه ناقص هستند که در بیشتر موارد هیچ اثری از همگرایی یا امایل این مدل‌های ذهنی

۶ لوازم کارکردی ناظر بر توجه به هزینه فرصت از دست رفته، تکنیک‌های هزینه-فایده و... در پدیده‌ی تبادل الزامی در میان منابع و عناصر کمیاب می‌باشد. تبادل الزامی یا بده بستان یعنی برای به دست آوردن هر چیزی باید مقداری از چیزهای دیگر را از دست داد.

۷ دادگر، یدالله؛ اصول تحلیل اقتصادی خرد و کلان، چاپ اول، تهران، نشر آماره، مهرماه ۱۳۹۱، صص ۱۹ و ۲۰.

۸ عقلانیت، ناظر بر رفتاری است که کششگر به موجب آن با داشتن اطلاعات کافی، دقت و حسابگری، شناسایی منابع و محدودیت‌ها و بر اساس اولویت‌ها تصمیم می‌گیرد.

9 Cause, Ronald

10 North, Douglass C.

11 Buchanan, James

12 Alchian, Armen

13 Demsetz, Harold

14 Williamson, Oliver E.

متباین به سمت یک مدل واحد به چشم نمی‌خورد.^{۱۵} به این ترتیب، نهادگرایان جدید اتکاء نو کلاسیک‌های ارتدکس را بر «عقلانیت ابزاری مطلق» رد کرده و «عقلانیت محدود» را به جای آن به کار می‌بندند. اما در هر حال مانند نو کلاسیک‌ها از فردگرایی روش شناختی تبعیت نموده و آثار نهادها را در شکل راهبردهایی پی می‌گیرند که در ارتباط با همان «انسان اقتصادی» جریان مسلط قرار دارند. به عبارت دیگر، ایشان معتقدند که نهادها نیز برای دست‌یابی به عقلانیت ابزاری یعنی حداکثر کردن منابع شخصی از سوی افراد ایجاد می‌شوند. در این نگرش تئوری قیمت و مکانیسم بازار، از محرک‌های تحلیل اقتصادی به شمار می‌آید و حتی تغییرات نهادی را نیز معلول تغییر در قیمت‌ها می‌دانند. به این معنی که تغییرات نهادی را بیشتر به صورت اقتصادی و در قالب معامله و مبادله می‌پندارند که بازخورد آن به صورت کارایی منعکس می‌شود.^{۱۶}

پیش از این گروه از نهادگرایان، گروه دیگری موسوم به نهادگرایان قدیم (از جمله ویبلن)^{۱۷} قرار دارند که مفاد نام‌تری از عقلانیت را مورد توجه قرار داده و در تحلیل خود نقش موثر الگوها و تئوری‌های موجود در دیگر عرصه‌های زندگی همچون امور فرهنگی، تاریخی و اجتماعی را به صورت مستقل و نه صرفاً بر مبنای تئوری انتخاب عقلانی مد نظر قرار می‌دهند. این گروه قائل به این نظرند که بازخورد نهادی تنها جنبه اقتصادی نداشته و در تمامی عرصه‌های انسانی و اجتماعی مطرح خواهد بود و ضمن انتقاد از رویکردهای مکانیکی، نفع شخصی‌گرایانه‌ی نو کلاسیکی بر تاثیر نهادهای زبانی، اندیشه‌ای، مذهبی، اخلاقی و نظایر آن نیز تأکید می‌نمایند.

حاصل کلام آنکه به نظر می‌رسد از بین نهادگرایان انتخاب عقلانی، داگلاس نورث از حدود دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی به بعد (با مقاله‌ی «ساخت و تغییر در تاریخ اقتصادی»^{۱۸} ۱۹۸۰) در تحلیل‌های خود از اندیشه‌ی این گروه از نهادگرایان، یعنی نهادگرایان قدیم نیز تاثیر پدیدار شده است. ثمرات این اثرپذیری به ویژه در رویکرد نظری جدید وی (به همراه والیس^{۱۹} و وینگاست^{۲۰}) موسوم به «ریاضیات نظم اجتماعی»^{۲۱} (۲۰۰۹ و ۲۰۱۲) که از جمله موضوعات آن چگونگی کنترل خشونت

۱۵ نورث، داگلاس سی.؛ نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه: معینی، محمدرضا، چاپ دوم، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۵، صص ۴۱ و ۴۲.

۱۶ دادگر، بدالله؛ اصول تحلیل اقتصادی خرد و کلان، پیشین، صص ۲۵۸ و ۲۵۹.

17 Veblen, Thorstein

18 Wallis

19 Weingast

برای برقراری نظم و تاثیر آن بر میزان توسعه یافتگی جوامع است (که نهاد حقوق مالکیت یکی از شاخص‌های ارزیابی آن به شمار می‌آید)، به چشم می‌خورد.

بر این اساس، به نظر بتوان گفت دیدگاه داگلاس نورث در سطحی بالاتر از دیدگاه نهادگرایی جدید قرار می‌گیرد چرا که هم تئوری سطح خرد و هم تئوری سطح کلان را در بر دارد و به خوبی می‌تواند از مبانی خرد دیدگاه خود که مبتنی بر عقلانیت محدود است، مبانی کلان تحلیل که بر مبنای ساختارگرایی قرار می‌گیرد را به وجود آورده و به راحتی از سطح خرد به سطح کلان برود بدون آنکه در تحلیلش ناسازگاری‌ای وجود داشته باشد. همچنین، ضمن اجتناب از غایت‌نگری و تقدیرگرایی و رسیدن به یکسری نتایج انتزاعی غالباً دور از واقع، طی بررسی علل توسعه نیافتگی جوامع تلاش می‌کند راه‌حلهایی را برای گذار از توسعه نیافتگی و قرار گرفتن در مسیر توسعه در این جوامع ارائه نماید. ضمن آنکه در خلال نظریه‌ی نهادی بر عللی همچون «صعودی بودن بازدهی نهادها» و «وابستگی به مسیر طی شده» در کند شدن روند تغییر مذکور تاکید می‌کند.

علاوه بر این، بر خلاف جریان اصالت اقتصادی که جدایی سیاست و اقتصاد را مفروض انگاشته و دولت در مفهوم حکومت را یک ابزار مکانیکی و نهاده‌ی داده شده و ایستا و در عین حال خدمتگزار و خیرخواه برای جبران کاسی به برقرار قلمداد می‌کند که در عین حال، به انجام وظایف حاکمیتی خود از جمله تعریف، تضمین و اجرای حقوق مالکیت کارآمد متعهد است (به نظر می‌رسد این ینش در دیدگاه نهادگرایان جدید نیز وجود دارد)، رهیافت نظم اجتماعی، نهاد حکومت را همچون نهاد حقوق مالکیت نهادی پویا در نظر می‌گیرد که به عوض خدمتگزار و خیرخواه بودن می‌تواند قهار باشد و از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر عملکردی کاملاً متفاوت داشته باشد. ضمن آنکه بر مبنای تئوری توازن دوگانه که در بطن این رهیافت جای دارد، بهبود عملکرد سیستم اقتصادی منوط به بهبود عملکرد سیستم سیاسی دانسته شده و تاکید می‌شود که بدون محقق شدن چنین امری در نهایت ارتقاء و اصلاح سیستم اقتصادی موفقیت با دوامی در پی نخواهد داشت.

کشگران اصلی در این رهیافت گروه‌هایی موسوم به گروه‌های فرادست^{۲۰} هستند که یا توانایی اعمال خشونت دارند و یا با گروه‌هایی متخصص خشونت در ارتباطند. آنچه که از اسباب ایجاد تفاوت بین جوامع مختلف به شمار می‌آید، شیوه‌هایی است که این گروه‌ها برای کنترل خشونت به

منظور برقراری نظم در پیش می‌گیرند و نحوه‌ی عملکرد آنها در یک شکل کلی منجر به ایجاد دو دسته دولت یا نظم اجتماعی می‌شود؛ دولت طبیعی یا دسترسی محدود و دولت دسترسی باز. دولت طبیعی از این حیث به این نام خوانده می‌شود که واکنش طبیعی جوامع به کنترل پدیده‌ی خشونت در برقراری نظم است.

در خصوص ارتباط بین خشونت و نظم اجتماعی و حقوق مالکیت به طور اجمال می‌توان گفت کنترل خشونت و به تبع آن ایجاد نظم اجتماعی اساس و مبنای تشکیل گروه‌های بزرگ انسانی (دولت-شهرها) و سطح دسترسی به مالکیت و حقوق مربوط به آن را تشکیل می‌دهند. به طور مسلم وقتی خشونت و به عبارت دیگر زور گویی کنترل شود، امکان دسترسی به حقوق مالکیت نیز بیشتر خواهد شد. چرا که بدون ترس یا توجه به مشخصاتی مثل نژاد، طایفه، خانواده، قومیت، مذهب، جنسیت و... افراد، از دسترسی به حقوق مذکور برخوردار می‌گردند.

با توجه به عنوان پژوهش پیش رو که در آن محور اصلی بحث بر مبنای حقوق مالکیت قرار دارد و بر اساس بررسی‌های انجام شده چهار حقوق مالکیت نهادی رسمی با منشاء سیاسی تلقی می‌شود، همچنین به این علت که بحث از مالکیت نفت به عنوان یکی از مباحث حقوقی در سطح کلان اجتماعی باز هم به نحوی از نوع نظام سیاسی حاکم تاثیر می‌پذیرد و در نهایت به سبب آنکه مدیریت و اتخاذ تصمیم در خصوص تخصیص و کاربرد حاصل از این ثروت تجدیدنپذیر توسط ساز و کارهای اجرایی و نظارتی حاکمیت به عمل می‌آید که به طور مسلم متاثر از وضعیت سیستم سیاسی می‌باشند، بر آن شدیم که با عنایت به ظرفیت این دستگاه نظری یعنی "رهیافت نظم اجتماعی" در تحلیل و بررسی توانان دو سیستم سیاسی و اقتصادی موجود در ایران، اساس ابزار تحلیل را مبتنی بر این دیدگاه داگلاس نورث و همکاران وی (باری وینگاست و وایس) قرار دهیم.

بحث از مالکیت نفت در حوزه‌ی حقوق و اقتصاد و رابطه‌ی آن با حقوق مالکیت در چارچوب دستگاه نظری فوق، برای نخستین باری است که در ایران در ذیل عنوان این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. هرچند که طی بررسی اجمالی به عمل آمده در منابع لاتین نیز بحثی از این موضوع با این دیدگاه در مورد ایران یافت نشده است.^{۲۱}

۲۱ البته در مورد کشور مکزیک در کتاب "در سایه‌ی خشونت، سیاست، اقتصاد و مصلحت توسعه" (۲۰۱۲) نوشته‌ی داگلاس نورث (به همراه، وایس، وینگاست و وب) که جزء منابع لاتین این پژوهش است، حول محور نفت و نه مالکیت نفت مقاله‌ای به نگارش درآمده است.